



The Foundations of the Special Relationship between the United States and the Zionist Regime (With Emphasis on AIPAC Political Clubs)

Naser Pourhassan¹

1. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran na.pourhassan@abru.ac.ir

Volume info

Vol. 5
Series: 20
Spring Quarterly
P.P: 71-97

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
23 July 2025
Revised:
02 June 2026
Accepted:
22 May 2026
Published:
08 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Abstract

On numerous occasions, including the establishment of the Jewish state in 1948, the government of the United States opposed the policies of the Zionist regime; however, this opposition quickly gave way to support for that regime. The formation of a special relationship between the United States and the Zionist regime, despite the tension between their respective interests, constitutes an important scholarly question. The purpose of this article is to examine certain foundations of this special relationship that have not yet received sufficient scholarly attention. The central question of the article is: what foundations have led to the formation and continuity of the special relationship between the United States and the Zionist regime from 1948 to 2026? The article hypothesizes that, in addition to the identity-based affinities and the strategic interests shared by the United States and the Zionist regime, the Zionists' precise understanding of the distinctive structure of power in the United States, together with their use of legal and political capacities such as the establishment of political clubs within the AIPAC lobby, has institutionalized their influence in that country; the result has been the creation and continuation of a special relationship between the United States and the Zionist regime. The findings of the article, derived through documentary research based on a descriptive-analytical approach, indicate that supporters of the Zionist regime at different levels of political clubs have access to the highest-ranking officials in the United States. Backed by personal ties, members of Congress, organizations, foundations, think tanks, and coordinated lobbying networks, as well as through the formation of political action committees, they have exerted a direct influence on U.S. policymaking toward the Zionist regime and have helped establish a special relationship between the two sides.

Keywords: AIPAC, United States of America, political club, Zionist regime lobby

Cite this article: Pourhassan, N. (2026). The Foundations of the Special Relationship between the United States and the Zionist Regime (With Emphasis on AIPAC Political Clubs). *American Strategic Studies*, 5(4), 71-97. DOI 10.47176/ASR.2026.1337



Publisher: Imam Hossein University.

"Authors Retain The Copyright"



بنیان‌های روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی (با تأکید بر باشگاه‌های سیاسی آپیک)

ناصر پورحسن^۱

۱. دانشیار، گروه علوم علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی^(ره)، بروجرد، ایران.
na.pourhassan@abru.ac.ir

چکیده

دولت ایالات متحده آمریکا در موارد متعددی از جمله تشکیل دولت یهودی در سال ۱۹۴۸، با سیاست‌های رژیم صهیونیستی مخالف بوده اما این مخالفت به سرعت به حمایت از این رژیم تغییر کرده است. شکل‌گیری روابط ویژه بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی، به رغم تراحم منافع آن‌ها، مسئله‌ای علمی است. هدف این مقاله واکاوی برخی بنیان‌های این روابط ویژه است که تاکنون مورد مذاقه قرار نگرفته است. سؤال اصلی مقاله عبارت است از: چه بنیان‌هایی موجب شکل‌گیری و تداوم روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۶ شده است؟ فرضیه مقاله نیز این‌گونه صورت‌بندی شده است که علاوه بر مشترکات هویتی و منافع ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های راهبردی، شناخت دقیق صهیونیست‌ها از ساختار ویژه قدرت در ایالات متحده آمریکا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی چون ایجاد باشگاه‌های سیاسی در لابی آپیک، نفوذ خود را در این کشور نهادینه کرده‌اند که حاصل آن ایجاد و تداوم روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است. یافته‌های مقاله که با روش مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی حاصل شده، حاکی است حامیان رژیم صهیونیستی در سطوح مختلف باشگاه‌های سیاسی، به عالی‌ترین مقامات ایالات متحده آمریکا دسترسی دارند و با پشتوانه روابط شخصی، نمایندگان کنگره، سازمان‌ها، بنیادها، اندیشکده‌ها و لابی‌های منسجم، تشکیل کمیته‌های اقدام سیاسی، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌گذاری ایالات متحده آمریکا در قبال رژیم صهیونیستی داشته و بین آن‌ها روابط ویژه ایجاد کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آپیک، ایالات متحده آمریکا، باشگاه سیاسی، رژیم صهیونیستی، لابی

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۲۰
بهار ۱۴۰۵
صص: ۹۷-۷۱

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۴۷-۲۸۲۱
الکترونیکی: ۴۷۴۳-۲۷۸۳



استناد: پور حسن، ناصر. (۱۴۰۵). بنیان‌های روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی (با تأکید بر

باشگاه‌های سیاسی آپیک). مطالعات راهبردی آمریکا، ۵(۴)، ۷۱-۹۷. [10.47176/ASR.2026.1337](https://doi.org/10.47176/ASR.2026.1337)

"حق چاپ برای نویسندگان
محفوظ است"

ناشر: دانشگاه جام امام
حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

مهم‌ترین معیار در فرایند سیاست خارجی کشورها، منافع ملی است که آن‌هم از هویت کشورها نشأت می‌گیرد. از آنجا که هویت کشورها گوناگون است، بنابراین منافع آن‌ها نیز با یک‌دیگر تقارن کامل ندارد. بر مبنای هویت و منافع ملی، روابط کشورها در عرصه بین‌المللی، طیفی از همکاری و روابط راهبردی تا رویایی، تراحم و تخاصم را شامل می‌شود. روابط ایالات متحده آمریکا با رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۶ در این مفروض نمی‌گنجد. در حالی که در موارد مختلفی، تراحم منافع آن‌ها جدی بوده، در نهایت و همواره بین آن‌ها روابط ویژه‌ای برقرار بوده است. «جان اف کندی»^۱ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا خطاب به «گلدایر» وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در دسامبر ۱۹۶۲ گفته بود: «ایالات متحده روابط ویژه‌ای با اسرائیل [رژیم صهیونیستی] در خاورمیانه دارد که واقعاً فقط با روابطی که با بریتانیا در طیف گسترده‌ای از امور جهانی دارد، قابل مقایسه است (Gilboa, 2025: 473)». طی بیش از ۷ دهه، کمک‌های نظامی مستقیم و غیرمستقیم ایالات متحده آمریکا به رژیم صهیونیستی تداوم داشته؛ به گونه‌ای که میزان این کمک‌ها از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۴ بالغ بر ۳۱۰ میلیارد دلار بوده است. طبق یک برنامه ده ساله (۲۰۱۸ تا ۲۰۲۸) ایالات متحده آمریکا هر سال ۳/۸ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی کمک می‌کند و از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا سپتامبر ۲۰۲۴، بالغ بر ۱۷/۹ میلیارد دلار کمک نظامی کرده است (Masters & Merrow: 2024). تجربه جنگ غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نشان داد که روابط واشینگتن - تل‌آویو، به‌رغم نقض صریح اصول اولیه حقوق بشر دوستانه، از روابط آن با فراتر از لندن است. ایالات متحده آمریکا پس از ۷ اکتبر، بارها انبارهای تسلیحات رژیم صهیونیستی را که تخلیه و استفاده شده بود، مجدداً تأمین و تجهیز کرد. به موازات آن، حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا از رژیم صهیونیستی به‌ویژه استفاده از حق وتو در شورای امنیت نیز تداوم یافته است. بارزترین مصداق این روابط ویژه، ورود مستقیم ایالات متحده آمریکا به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی است. به‌رغم مخالفت بسیاری از مقامات سیاسی و اندیشکده‌های ایالات متحده آمریکا با توجه به تجربه پرهزینه دخالت نظامی ایالات متحده آمریکا در افغانستان و عراق، و هشدار در باره اینکه ایالات متحده آمریکا نباید در این جنگ به هم‌رزم رژیم صهیونیستی تبدیل شود

^۱ John F. Kennedy

^۲ Golda Meir

(Smith: 2025)، دولت ترامپ علاوه بر تجهیز گسترده رژیم صهیونیستی، وقتی این رژیم در برابر موشک‌های دفاعی ایران به استیصال درآمد، با نقض منشور ملل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد. ترامپ در نوامبر ۲۰۲۵ به صراحت اعلام کرد: «اسرائیل اول حمله کرد. آن حمله بسیار، بسیار قدرتمند بود. من تا حد زیادی هدایت آن را بر عهده داشتم» (Harb, 2025) همکاری بین این دو در جریان جنگ تحمیلی سوم علیه جمهوری اسلامی در فوریه ۲۰۲۶ (اسفند ۱۴۰۵) بیش از جنگ تحمیلی دوم بود.

به‌رغم آنکه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی دو واحد سیاسی مجزا محسوب می‌شوند اما نوع مناسبات و روابط ویژه میان آن‌ها با هیچ کشوری در دنیا قابل مقایسه نیست. علی‌رغم اینکه رژیم صهیونیستی بیشترین دشمنی را با ایران داشته و بر ایالات متحده آمریکا به‌عنوان دشمن اصلی جمهوری اسلامی نیز نفوذ شدیدی دارد ولی مسئله این است که شناخت دقیقی از چرایی و برخی بنیان‌های این رابطه وجود ندارد که برای تصمیم‌سازی و اقدام دقیق‌تر و مؤثرتر این شناخت باید حاصل شود. هدف این مقاله واکاوی برخی بنیان‌های این روابط انحصاری بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است که تاکنون مورد مذاقه قرار نگرفته است. سؤال اصلی مقاله عبارت است از: «چه بنیان‌هایی موجب شکل‌گیری و تداوم روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۲۶ شده است؟» فرضیه مقاله نیز این‌گونه صورت‌بندی می‌شود: «علاوه بر مشترکات هویتی و منافع و ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در حوزه‌های راهبردی، شناخت دقیق صهیونیست‌ها از ساختار ویژه قدرت در ایالات متحده آمریکا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی مانند ایجاد باشگاه‌های سیاسی^۱ در لابی‌هایی مانند آپیک^۲، نفوذ خود را در این کشور نهادینه کرده‌اند که حاصل آن ایجاد و تداوم روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است».

رویکرد ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تقابل جویی با این نظام بوده است. اعمال تحریم‌های چند لایه ایالات متحده آمریکا، حملات نظامی و تروریستی محدود و حمله گسترده و مشترک دو قدرت هسته‌ای در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران، از نتایج چنین رویکردی است. با توجه به تداوم خصومت‌های مذکور، شناخت دقیق‌تر بنیان‌های روابط بین آن‌ها،

^۱ Political Clubs

^۲ the American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)

در فهم و ادراک عمیق‌تر این رویکرد مؤثر است. پژوهش در این زمینه با توجه به تحولات منطقه‌ای پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و نیز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران و نیز جنگ تحمیلی سوم و تحولات پیش رو، فوریت و ضرورت بیشتری دارد.

فرضیه این مقاله با روش مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی پردازش می‌شود. البته به‌رغم استفاده از منابع دسته اول و جدید، محدودیت‌های خاصی در گردآوری داده‌ها برای این پژوهش وجود داشت. چون بخش عمده اقدامات باشگاه‌های سیاسی آپیک، مخفیانه انجام می‌شود.

۱- مرور پیشینه تحقیق

درباره روابط انحصاری رژیم صهیونیستی با جهان غرب، پژوهش‌های مختصری در عرصه بین‌المللی انجام شده که یکی از جدیدترین آن‌ها توسط «ایلان پاپه»^۱ انجام شده است. وی چگونگی تأثیرگذاری گروه‌های لابی طرفدار رژیم صهیونیستی بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورها را طی یک قرن اخیر بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که لابی‌گری برای صهیونیسم در دو سوی اقیانوس اطلس به یک اجماع در حمایت از صهیونیسم منتهی شده است (Pappe, 2025). درباره روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز پژوهش‌هایی انجام شده و برخی پژوهشگران ایالات متحده آمریکا به‌رغم محدودیت‌های فراوان، توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته‌اند. «جان میرشایمر و استفن والت»^۲ دو صاحب‌نظران برجسته روابط بین‌الملل در اثر برجسته «لابی رژیم صهیونیستی» نقش شبکه‌ای جامع از سازمان‌ها، اندیشکده‌ها، جریان‌های مذهبی و افراد متنفذ یهودی و غیریهودی که در جهت‌دهی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا برای حمایت نامحدود از رژیم صهیونیستی را که مغایر تأمین منافع ملی ایالات متحده آمریکاست، تحلیل کردند (Mearsheimer and walt, 2007). این دو در سال ۲۰۰۹ به انتقادات مختلف پس از انتشار پژوهش مذکور پاسخ داده و نظریه خود درباره نقش لابی رژیم صهیونیستی را تأیید کردند (Mearsheimer and walt, 2009). برخی پژوهشگران آمریکایی معتقدند این رابطه ویژه به دلیل قرابت‌های فرهنگی و مذهبی قوی و حمایت عمومی گسترده در جامعه ایالات متحده آمریکا است و نه به دلیل نفوذ لابی‌ها (Slater, 2020). کاپلان در کتاب «اسرائیل [رژیم

^۱ Ilan Pappé

^۲ John Mearsheimer and Stephen Walt

صهیونیستی]، آمریکای ما: داستان اتحاد درهم تنیده»، روابط ویژه آن‌ها را از منظر دیگری ریشه‌یابی کرده و آن یک حس مشترک که از هویت از تاریخ دو ملت به‌عنوان جوامع شهرک‌نشین شکل گرفته و از طریق ظهور صهیونیسم مسیحی انجیلی و جنگ با تروریسم ادامه یافته، همراه با برخی مسائل را که باعث اختلاف آن‌ها شده، تحلیل می‌کند (Kaplan, 2018).

ایتان گیلوا (2025) در مقاله‌ای، روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی طی ۷۵ سال اخیر را محصول ترکیب منحصربه‌فردی از «عناصر سخت»، مانند منافع راهبردی و «عناصر نرم» مانند ارزش‌ها می‌داند. وی در این پژوهش به لابی یهودیان ایالات متحده آمریکا اشاره کرده؛ اما نحوه و شیوه تأثیرگذاری این اقلیت در روابط ویژه مذکور اشاره‌ای نکرده است. کارشناسان اندیشکده هریتیج نیز با رویکرد آینده پژوهانه، گذار روابط ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از روابط ویژه به روابط راهبردی را از سال ۲۰۲۹ تا ۲۰۴۷ تحلیل کرده‌اند که پیش شرط آن را تغییر پارادایم‌های امنیتی و تجاری در خاورمیانه می‌دانند (The Heritage Foundation, 2025).

پژوهشگران ایرانی نیز در این زمینه پژوهش‌های مختلفی انجام داده‌اند. پژوهشگری روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی را معلول دو متغیر یعنی نقش راهبردی آن رژیم برای پیشبرد منافع ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و نیز اعمال نفوذ و فشار لابی صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا بررسی کرده است (Ahouie, 2011). در پژوهشی نقش این لابی در مذاکرات ۱+۵ بررسی شده است (Tabe afshar et al. 2018). نقش لابی یهودیان در تصمیمات سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی نیز تحلیل شده است (Hoseini et al., 2022). در پژوهش دیگری نقش اتاق‌های فکر در راهبرد ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی در دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ بررسی شده است (Jamali, & Ebrahimi, 2024). روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی از منظر سیاست‌های خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا به‌ویژه «موازنه از دور»^۱ برای مقابله با محور جمهوری اسلامی نیز تحلیل شده است (Niakoe & Amani, 2024). عباسی و دمیرچیلو در مقاله‌ای، دلیل سیاست خارجی و امنیتی متناقض ایالات متحده آمریکا در بحران غزه در زمینه حفظ حقوق بشر و دموکراسی و در عین حال تضمین منافع راهبردی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی در منطقه را ناشی از تعامل

¹ Offshore balancing

میان فشارهای داخلی مانند منافع گروه‌های لابی و اولویت‌های نخبگان سیاسی با نیاز به حفظ جایگاه راهبردی ایالات متحده آمریکا در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌دانند (Abbasi & Damirchiloo, 2024). میرلوحی سلطه کامل صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا را ذیل عنوان «زایناکراسی»^۱ تفسیر کرده و نام «یوسرائیل»^۲ را برای کتاب خود انتخاب کرده است (Mirlohi, 2019). بررسی انتقادی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌ها به‌ویژه در ایران بر نقش لابی آپیک متمرکز شده‌اند. این پژوهش‌ها به‌رغم تکرار، بخشی از کلیت روابط ویژه را تحلیل کرده‌اند، ولی برخی نهادها و ساختارهای این لابی را بررسی نکرده‌اند. تبیین دقیق‌تر برخی اجزای آپیک در پرتو جامعه‌شناسی قدرت در ایالات متحده آمریکا نوآوری این مقاله خواهد بود.

۲- تهمیدات مفهومی؛ جامعه پلیارشیک

برای تبیین نظری فرضیه پژوهش، ضروری است که جامعه‌شناسی سیاسی و نیز ساخت قدرت در جامعه ایالات متحده آمریکا بررسی شود. برای رسیدن به این هدف، از مفاهیمی که جامعه‌شناسان سیاسی درباره جامعه ایالات متحده آمریکا صورت‌بندی کرده‌اند، استفاده می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، ایالات متحده آمریکا جزو نظام‌های «نخبه‌گرا»^۳ محسوب می‌شود. عمده‌ترین معیار در این زمینه، توزیع منابع قدرت میان گروه‌هایی از مردم و نه همه آن‌هاست. به‌طور کلی دو دیدگاه درباره نظام‌های نخبه‌گرا وجود دارد: دیدگاه کلاسیک‌هایی مانند «گائتا موسکا» و «ویلفردو پارتو»^۴ که معتقدند برخی افراد از نظر فیزیکی دارای ویژگی‌هایی هستند که بقیه را به پیروی از آنان متقاعد می‌سازد. پس از جنگ جهانی دوم نخبه‌گرایان جدید به جای تمرکز بر ویژگی‌های شخصی افراد، سطح تحلیل خود را از فرد به سیاست گروهی و گروه‌هایی از نخبگان تغییر دادند. معروف‌ترین نویسنده‌ای که در زمینه تئوری‌های نخبگان در آمریکا به پژوهش پرداخته، «چارلز رایت میلز»^۵ است. وی معتقد بود قدرت را می‌توان در دو سطح عمومی و افقی تحلیل کرد؛ در سطح نخست، یک گروه نخبه در رأس ساختار قدرت قرار دارد و پس از آن، گروه‌های میانی متشکل از گروه‌های

¹ Zionocracy

² USRAEL

³ Elitist

⁴ Gaetano Mosca and Vilfredo Pareto

⁵ Charles Wright Mills

ذینفوذ و نهایتاً یک جامعه توده‌وار قرار می‌گیرند. ساختار افقی قدرت، سه گروه صدرنشین را در برمی‌گیرد. گروه نخبه در هم بافته‌ای مرکب از یک هیات مدیره سیاسی از سیاستمداران و دیوانسالاران، مدیران اجرایی بلندپایه شرکت‌ها و چهره‌های برجسته نظامی منافع مشترک این گروه‌ها را به هم گره زده است (Chilcote, 2011: 543). میلز در اثر مهم خود، ساختار مذکور را بیشتر تبیین می‌کند: «نخبگان قدرت به انسان‌هایی اطلاق می‌شود که مقام موقعیت‌شان، آن‌ها را قادر می‌سازد از محیط عادی مردان و زنان معمولی جامعه فراتر روند، اینکه آن‌ها چه تصمیماتی را بگیرند، از این واقعیت که آن‌ها چنین مشاغل اساسی و مهمی را اشغال کرده‌اند، در درجه کمتری از اهمیت قرار دارد، زیرا شکست آن‌ها در کار و ناکامی آن‌ها در تصمیم‌گیری دارای آثار و تبعاتی بزرگ‌تر از تصمیماتی است که می‌توانند بگیرند» (Mills, 2004: 34).

دیدگاه نخبه‌گرایانه میلز توسط «رابرت دال»^۱ نظریه‌پرداز نخبه‌گرای آمریکایی، تصحیح و به روز شد که اتفاقاً برای تحلیل جایگاه باشگاه‌های سیاسی اپیک، مناسب‌تر است. دال نظام‌های سیاسی دنیا را بر اساس هفت معیار (کنترل تصمیمات نهایی در اختیار افراد منتخب، گزینش مقامات تصمیم‌گیرنده در انتخابات متوالی و منصفانه، حق رأی بزرگسالان، حق احراز مقامات عمومی برای همه بزرگسالان، حق آزادی بیان، عدم انحصاری بودن منابع اطلاعات و در نهایت برخورداری شهروندان از حق تشکیل، عضویت و اعمال مؤثر نفوذ در سازمان‌های رسمی مانند احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ) به دو گروه «پلیارشی»^۲ و غیر پلیارشی تقسیم می‌کند. از منظر وی، دموکراسی به معنای مستقیم آن امکان‌پذیر نیست و نظام‌های پلیارشی تداوم دموکراسی نمایندگی هستند (Dahl & Brickey, 2013: 156-156). واژه دو بخشی پلیارشی دارای ریشه یونانی است که بخش نخست آن به معنی «چند» و بخش دوم به معنی «حکومت» است. این اصطلاح تقریباً به معنی «حکومت عده زیادی» در مقابل «مونارشی»^۳ به معنی حکومت یک نفره و «الیگارشی»^۴ به معنی «حکومت عده معدود» است (Dahl & Brickey, 2013: 153).

به نظر دال در جامعه ایالات متحده آمریکا به جای یک گروه (الیگارشی)، چند گروه (پلیارشی) وجود دارد و حکومت در دستان آنان است. تصمیمات سیاسی در سطوح محلی و ملی بازتاب رژه

^۱ Robert Dahl

^۲ polyarchy

^۳ Monarchy

^۴ oligopoly

شکوهمند مردمی نیست که در مورد سیاست‌های اساسی به وحدت رسیده باشند. اکثریت عددی در انتخابات هم فایده‌ای ندارد و کوشش قوه مجریه میانجیگری و داوری میان تقاضای رقیب در گروه‌های مختلف است. گروه‌ها برای تصاحب منابع قلیل رقابت می‌کنند (Held, 2008: 288-289). در حقیقت دال دموکراسی را حکومت اقلیت‌ها می‌داند (Held, 2008: 294). اگرچه دال بعدها نظریه «دیپلماسی محل کار»^۱ را برای تحلیل واقعیت‌های جامعه ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می‌کند؛ که شامل یک سیستم اقتصادی متشکل از شرکت‌های تحت مالکیت کارگران و تحت کنترل کارگران می‌شود که می‌تواند پایه بسیار بهتری برای دموکراسی، برابری سیاسی و آزادی نسبت به نظام کنونی سرمایه‌داری شرکتی فراهم کند (Dahl, 2023)؛ اما ایالات متحده آمریکا همچنان یک نظام نخبه‌گرای پلاریشیک است که اساس آن بر مبنای نفوذ است. دال در تحلیل سیاسی مدرن، بر موضوع نفوذ متمرکز شده و آن را اساس علم سیاست و پلاریشی می‌داند. وی ضمن تفاوت قائل شدن بین قدرت و نفوذ، هفت شکل برای نفوذ (قدرت، اجبار، زور، اقناع، دستکاری، تحریک و اقتدار) قائل می‌شود. منظور وی از قدرت توصیف رابطه‌ای واقع‌گرایانه از توانایی «الف» برای عمل کردن به گونه‌ای است که واکنش «ب» را کنترل کند. به نظر دال، تفاوت اصلی نه در قدرت بلکه در میزان نفوذ و عوامل و منابع آن باز می‌گردد. منظور از منابع وسیله است که شخص می‌تواند رفتار اشخاص و گروه‌های دیگر را با آن کنترل کند. پول، مهارت و انگیزه سه منبع مهم نفوذ محسوب می‌شوند (Dahl & Brickey, 2013: 81).

علاوه بر منابع مادی، «دسترسی» نیز در تأثیرگذاری قدرت و نفوذ نقش مهمی دارد. برخورداری همه گروه‌ها به این عامل یکسان نیست و هر گروهی مزیت نسبی دارد که می‌تواند در فرایند سیاست از آن استفاده کند. قدرت و نفوذ غیر سلسله مراتبی بوده و رقابتی آرایش یافته است. قدرت بخش جدایی‌ناپذیر فرایند همیشگی داد و ستد میان گروه‌ها به‌ویژه نمایندگان آن‌ها مانند لابی‌ها و اتحادیه‌هاست (Held, 2008: 288). دال نسبت به انباشت و تجمع منابع قدرت و نابرابری منابع سیاسی معترف بود. در یکی از آثار خود به این آمار ارجاع می‌دهد که: «در میان آمریکایی‌ها، نابرابری و درآمد به سطحی رسیده که طی دو قرن گذشته بی‌سابقه بوده است. در سال ۱۹۷۹ میانگین درآمد یک درصد برتر ۱۳۳ برابر بیشتر از ۲۰ درصد پایین جامعه بود. در سال ۲۰۰۰ این عدد ۱۸۹

^۱ workplace democracy

برابر بیشتر بود. در آمد ۱۰۰ مدیر اجرایی برتر از ۳۹ برابر میانگین حقوق کارگر بود که سه سال بعد بیش از هزار برابر افزایش یافت (Dahl, 2005: 85).

مفروض این پژوهش، نخبه‌گرا بودن جامعه ایالات متحده آمریکاست. در چنین جامعه‌ای، یهودیان به‌رغم جمعیت اندک با توجه به مؤلفه‌ها و منابع قدرت خود، در رده گروه‌های تأثیرگذار نخبه محسوب می‌شوند و در ساختار پلارشیک این کشور، نقش آفرینی می‌کنند. در ادامه مقاله، تشکیل باشگاه‌های سیاسی آپیک در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا معرفی می‌شود و سپس نحوه نفوذ باشگاه‌ها در سیاست‌گذاری آمریکا تحلیل می‌شود.

۳- منابع نفوذ صهیونیسم در جامعه پلارشیک ایالات متحده آمریکا

اگرچه برخی از جامعه‌شناسان ایالات متحده آمریکایی ادعا می‌کردند جامعه این کشور شبیه «دیگ مذاب»^۱، هویت‌های گوناگون را در خود هضم می‌کند، اما ایالات متحده آمریکا، جامعه‌ای است که قدرت در آن انفرادی نشده و در قالب گروه‌های مختلف توزیع شده است. یکی از مهم‌ترین گروه‌های قدرت در ایالات متحده آمریکا، صهیونیست‌ها هستند که ضمن شناخت دقیق ساختار پلارشیک آن، کنشگری در آن را سازمان‌یافته و منسجم انجام می‌دهند. منبع بخشی از این کنشگری، به ریشه‌های تاریخی آن بازمی‌گردد که در پرتو آن، گروه‌های مذکور، خود را در ساختار قدرت این کشور نهادینه کرده‌اند. یهودیان از نظر تاریخی، ریشه‌های قدرتمندی در جامعه ایالات متحده آمریکا دارند.

در رابطه با پیدایش نظام سرمایه‌داری دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. یکی از این دیدگاه‌ها که به رغم گذشت بیش از یک قرن از زمان طرح آن، بسیار ناشناخته مانده، این است که نظام سرمایه‌داری توسط یهودیان ایجاد شده است. این دیدگاه در سال ۱۹۱۱ توسط «ورنر سومبارت»^۲ اقتصاددان آلمانی مطرح شد. سومبارت این دیدگاه را در مقابل دیدگاه «ماکس وبر»^۳ جامعه‌شناس هم‌وطن خود مطرح کرده بود. وبر معتقد بود نظام سرمایه‌داری ناشی از یک تغییر خاص در درون دین مسیحیت و اخلاق پروتستانی است. اخلاق پروتستانی مورد نظر وبر دریافت معینی از

^۱ Melting pot

^۲ Werner Sombart (1863- 1941)

^۳ Max Weber

این مذهب بود که توسط «جان کالوین»^۱ و سپس «مارتین لوتر»^۲ عرضه شد. ماکس وبر از اصطلاح «تکلیف»^۳ برای موضوع از نظر لوتر اشاره می‌کند «یعنی مثبت شمردن فعالیت‌های روزمره دنیوی و «تلقی انجام تکلیف در مشاغل دنیوی به مثابه عالی‌ترین مضمونی که فعالیت اخلاقی فرد به طور کلی می‌تواند به خود بگیرد و همین تلقی بود که ناگزیر به فعالیت دنیوی روزمره معنای مذهبی بخشید (Weber, 2006: 80)». وبر همچنین درباره توجیه اخلاقی و دینی زندگی دنیوی در اندیشه پروتستانها می‌افزاید: «انجام وظایف دنیوی در هر شرایطی یگانه طریق زندگی خداپسندانه است و این طریق و فقط از این طریق مرضی خداست (Weber, 2006: 81)».

سومبارت دیدگاه دیگری دارد. دیدگاه وی نه تنها برای ریشه‌یابی نقش صهیونیست‌ها در پیدایش شرایط عینی و ذهنی نظام سرمایه‌داری بلکه نقش آن‌ها در ایجاد نظام‌های سرمایه‌داری در ایالات متحده آمریکا نیز بسیار مهم است. سومبارت در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که نقش یهودیان بیش از نقش «پیوریتن»^۴ها در پیدایش سرمایه‌داری بوده و پروتستان‌تسم و پیوریتان‌تسم همان یهودیت است (Sombart, 2005: 260). بر اساس دیدگاه سومبارت، یهودیان هم روح سرمایه‌داری و هم ساختار بیرونی و نهادی آن را شکل داده‌اند. مطابق با نظریه سومبارت، یهودیان جزو نخستین استعمارگرانی بودند که ایالات متحده آمریکا را کشف کرده و تأسیسات مدرن در آن را بنا نهادند و به این دلیل ریشه‌ای تاریخی در ساختار قدرت آن دارند. بر اساس این منبع، وام سفر کریستف کلمب برای کشف قاره ایالات متحده آمریکا از سوی «لوئیس دو سانتانخل»^۵ مشاور یهودی پادشاه اسپانیا فراهم شد. اولین اروپایی که از کشتی کلمب بر روی خاک ایالات متحده آمریکا، پا گذاشت، «لوئیس دو تورس»^۶ یهودی بود (Sombart, 2005: 34). بسیاری از یهودیان تازه وارد نیز، ایالات متحده آمریکا را «اورشلیم جدید» می‌نامیدند. کالینز پایپر در این رابطه می‌نویسد: «دولت اسرائیل [رژیم صهیونیستی] چیزی جز یک نماد از یک رؤیای دیرینه نیست، چون در واقعیت، رؤیایشان در ایالات متحده آمریکا یعنی اورشلیم جدید محقق شده است. اسرائیل کوچک منظور اسرائیل در مقابل ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل بزرگ است» (Piper, 2008: 6 and 10).

¹ John Calvin

² Martin Luther

³ Beruf

⁴ Puritan

⁵ Loies de santangel

⁶ Lois de torres

یهودیان پس از کشف قاره آمریکا، از اروپا روانه این سرزمین بکر شدند. بزرگ‌ترین موج مهاجرت یهودیان به ایالات متحده آمریکا بین سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۹۲۴ بود. طی این مدت جمعیت یهودیان از ۲۵۰ هزار نفر به حدود ۴/۵ میلیون نفر افزایش یافت (Enayah, 2006: 25). وقتی جرج واشینگتن به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد، رهبر جماعت عبری «نسل ابراهیم» به او تهنیت گفت که واشینگتن در پاسخ به او گفت: «فرزندان نسل ابراهیم می‌توانند در این کشور همانند دیگران زندگی کنند و هیچ نگرانی برای آنان وجود ندارد [...] آمریکا از این پس یک کشور مسیحی نیست بلکه می‌تواند مملکت هر یهودی یا مسلمان نیز باشد» (Grose, 1983: 5; Khatibi, 1999: 241-242). با این اوصاف، در خلال جنگ‌های استقلال ایالات متحده آمریکا، یهودیان در قبال خدمات و تسهیلاتی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده بود، تنها به فکر تأمین منافع و افزایش سرمایه خود بودند. از این‌رو بود که مردم ایالات متحده آمریکا، در خلال جنگ‌های مذکور به علت افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی، یهودیان را مقصر دانسته و آن‌ها را به خیانت، فرار از خدمت سربازی و ترویج پول‌های تقلبی متهم می‌کردند (Enayah, 2006: 93-94).

بر مبنای زمینه‌های تاریخی- فرهنگی مذکور است که اپیک اعلام کرده که «اتحاد ایالات متحده آمریکا و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] یک همکاری منحصربه‌فرد است که عمیقاً ریشه در ارزش‌های مشترک، منافع استراتژیک و تعهد آشکار به بهبود زندگی مردم هر دو کشور دارد که موجب قوی‌تر شدن هر دو کشور می‌شود» (AIPAC, 2023: 3). ایان گیلپوا نیز درباره این ریشه‌های تاریخی می‌نویسد: «عناصر نرم در رابطه خاص، ویژگی‌های مشابهی را در تاریخ دو ملت گنجانده است. این‌ها از ریشه‌های یهودی- مسیحی جامعه ایالات متحده آمریکا تا ملت‌سازی از طریق امواج مهاجرت تا روحیه پیشگامی که در قلب پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا و اسرائیل [رژیم صهیونیستی] می‌تپد تا تسخیر مرزها و بیابان‌ها تا ارزش‌های مشترکی مانند لیبرال دموکراسی تا حمایت قابل توجه از جامعه یهودی ایالات متحده آمریکا و حمایت از افکار عمومی مسیحیان انجیلی؛ و قدرت نظامی و منافع استراتژیک اسرائیل [رژیم صهیونیستی] در طول سال‌ها تغییر کرده است، در حالی که عناصر نرم نسبتاً ثابت مانده‌اند» (Gilboa, 2025: 474).

در کنار حضور تاریخی، یکی دیگر از مهم‌ترین منابع قدرت و نفوذ یهودیان در جامعه پلپاراشیک ایالات متحده آمریکا، ساختار سیاسی این کشور به‌ویژه قوه مجریه و کنگره است. نظام «الکترال

کالج^۱ بستر بسیار مناسبی است تا اقلیت یهودی در آمریکا در ساختار قوه مجریه این کشور نفوذ کند. این نفوذ از طریق توزیع هدفمند جمعیت و کارت‌های الکترال در ایالت‌های مختلف انجام می‌شود. ۷۶ درصد از جمعیت یهودیان در ۱۶ شهر در ایالت‌های نیویورک، کالیفرنیا، ایلینویز، اهایو و فلوریدا مستقرند که میزان کارت‌های الکترال آن‌ها، از حداقل لازم برای احراز سمت ریاست جمهوری در انتخابات بیشتر است. بر اساس یک آمار دقیق تر ۸۱ درصد یهودیان در ۹ ایالت ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند که این ایالت‌ها از مجموع ۵۳۵ رأی الکترال کالج، دارای ۲۰۲ الکترال هستند (Piper, 2008: 190). بر اساس اطلاعات منبعی دیگر از ۲۶۹ رأی الکترال لازم برای انتخاب ریاست جمهوری، ۱۲۸ رأی در چهار ایالت با جمعیت بزرگ یهودی متمرکز شده‌اند: نیویورک (۴/۸ درصد یهودی)، کالیفرنیا (۳/۳ درصد یهودی)، فلوریدا (۷/۳ درصد یهودی) و نیوجرسی (۵/۵ درصد یهودی) (Sheskin, 2009: 93).

ساختار انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا با منبع دیگر نفوذ یهودیان یعنی منابع مالی تکمیل می‌شود. یهودیان در ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک گروه، در مقایسه با جمعیت عمومی، میانگین درآمد خانوار بالاتری دارند. طبق نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو، درآمد خانوار بیش از ۲۳ درصد از بزرگ‌سالان یهودی ایالات متحده آمریکا ۲۰۰ هزار دلار، یا بیشتر است در حالی که این رقم برای کل جمعیت این کشور ۴ درصد است (Pew, 2021). در حالی که یهودیان کمتر از دو درصد جمعیت ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دهند اما نزدیک به نیمی از میلیارد‌درهای آمریکایی، یهودی هستند (Piper, 2008: 45). نقش کلیدی قدرت اقتصادی به‌ویژه در انتخابات تعیین‌کننده است به‌گونه‌ای که توان مالی یک نامزد بیانگر آن است که وی حامیان بسیار نیرومندی دارند که آماده‌اند در تمامی توان خود را برای پیروزی او در انتخابات بسیج کنند (Amjad, 2004: 145). با توجه به نقش فزاینده پول در نظام سیاسی و انتخاباتی ایالات متحده آمریکا، یهودیان، منابع مالی خود را هدفمند بکار می‌گیرند. یکی از ابزارهای نفوذ آن‌ها، تشکیل کمیته‌های اقدام سیاسی (پک^۲) است. پک اصطلاحی رایج برای کمیته سیاسی است که با هدف جمع‌آوری و هزینه کردن پول برای انتخاب و شکست نامزدها سازمان‌دهی شده است. پک‌ها از سال ۱۹۴۴ در ایالات متحده آمریکا

^۱ Electoral College

^۲ political action committees (PACs)

ایجاد شده‌اند؛ زمانی که کنگره سازمان‌های صنعتی (CIO)^۱ اولین کمیته را برای جمع‌آوری پول برای انتخاب مجدد رئیس‌جمهور «فرانکلین دی. روزولت» تشکیل داد (Open secrets, 2025). صهیونیست‌ها با تشکیل صدها پک از جمله «واشینگتن پک»^۲ و «نورپک»^۳، در روند انتخابات ایالات متحده آمریکا و به تبع در عرصه قدرت سیاسی این کشور، سهم زیادی به خود اختصاص می‌دهند (Brunell, 2005). تعداد پک‌ها در سال ۱۹۷۶ حدود ۱۰۰۰ مورد بود و در دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۴۶۰۰ مورد افزایش یافت. بیشترین تعداد پک‌ها به صهیونیست‌ها تعلق دارد. از آغاز دهه ۱۹۷۰، یهودیان بیش از ۸۰ کمیته اقدام سیاسی برای انجام فعالیت‌های سیاسی در ایالات متحده آمریکا تشکیل داده‌اند (Enayah, 2006: 61).

آن‌ها می‌توانند در هر انتخابات (اولیه، عمومی یا ویژه) ۵ هزار دلار به یک کمیته نامزدها کمک کنند. همچنین می‌توانند سالانه تا ۱۵ هزار دلار به هر کمیته حزب ملی و ۵ هزار دلار به هر پک دیگر کمک کنند. پک‌ها می‌توانند سالانه تا ۵ هزار دلار از هر فرد، پک یا کمیته حزب دریافت کنند (Open secrets, 2025). ۱۸ پک بزرگ صهیونیست‌ها در انتخابات سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ به‌طور کلی ۵ میلیارد و ۴۲۸ هزار و ۵۸۸ دلار به نامزدهای انتخاباتی کمک کردند که ۲ میلیارد و ۵۸۵ میلیون و ۳۴ دلار برای دمکرات‌ها و ۲ میلیون و ۷۹۱ هزار و ۸۰۵ برای جمهوری خواهان اختصاص یافت (Open secrets, 2025). از سال ۲۰۱۰، علاوه بر پک، «ابرپک‌ها»^۴ نیز ایجاد شده‌اند که آن‌ها هیچ کمکی به نامزدها یا احزاب نمی‌کنند. با این حال، هزینه‌های مستقلى را در رقابت‌های فدرال انجام می‌دهند. با تبلیغات یا ارسال ایمیل یا برقراری ارتباط به روش‌های دیگر به‌طور خاص از انتخابات یا شکست یک نامزد خاص حمایت می‌کنند. هیچ محدودیتی در مورد منابع مالی که ممکن است برای این هزینه‌ها استفاده شود، وجود ندارد (Open secrets, 2025). پک‌ها و ابرپک‌های آبیپک، اگر چه به نامزدهای هر دو حزب جمهوری‌خواه و دمکرات کمک می‌کنند و این یکی از ویژگی‌های خاص این لابی است، اما مأموریت اصلی آن حمایت از نامزدهایی است که بیشتر طرفدار رژیم صهیونیستی باشند (Politico, 2024).

^۱ Congress of Industrial Organizations (CIO)

^۲ Washington PAC

^۳ NORPAC

^۴ Super PACs

رابرت دال نسبت به انباشت و تجمع منابع قدرت و نابرابری منابع سیاسی به گونه‌ای معترف بود. در یکی از آثار خود به این آمار ارجاع می‌دهد که: در میان آمریکایی‌ها، نابرابری و درآمد به سطحی رسیده که طی دو قرن گذشته بی‌سابقه بوده است. در سال ۱۹۷۹ میانگین درآمد یک نفر برتر، ۱۳۳ برابر بیشتر از ۲۰ درصد افراد با درآمد پایین بود. در سال ۲۰۰۰ این عدد ۱۸۹ برابر رسید و سه سال بعد به بیش از هزار برابر افزایش یافت (Dahl, 2005: 85). تأثیر این نابرابری در پک‌ها و سپس نتایج انتخابات خود را نشان می‌دهد. یهودیان با کمتر از ۲ درصد جمعیت ایالات متحده آمریکا، در کنگره صد و نوزدهم (۲۰۲۵-۲۰۲۷) ۶ درصد از اعضا (۲۳ نفر در مجلس نمایندگان، ۹ نفر در مجلس سنا) را تشکیل می‌دهند. در کنگره قبل از آن نیز ۳۳ نفر یعنی ۶/۲ درصد کنگره را تشکیل می‌دادند. در کنگره صد و نوزدهم فقط ۴ مسلمان وجود دارد که یک نفر بیشتر از کنگره قبلی است؛ یعنی به ترتیب ۰/۸ و ۰/۶ درصد (Jeff, 2025).

صهیونیست‌ها علاوه بر ساختار اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی ایالات متحده آمریکا، در سطوح شخصیت‌ها و کارگزاران نیز نفوذ دارند. این موضوع ریشه تاریخی دارد. قبل از تشکیل دولت یهودی و وقتی که اعلامیه بالفور صادر شده بود، «لوئیس براندیس»^۱ اولین صهیونیست عضو قضات دیوانعالی بود، تأثیر ویژه‌ای بر وودرو ویلسون^۲ «رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا داشت. به گونه‌ای که به‌رغم مخالفت «کمیسیون کینگ-کرین»^۳ با تشکیل دولت یهودی به علت مغایرت با اصول چهارده گانه ویلسون، سرانجام رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مارس ۱۹۱۹ گفت: «ملل متحد با هماهنگی کامل دولت و مردم ما توافق دارند که پایه‌های یک کشور مشترک‌المنافع یهودی در فلسطین گذاشته شود» (Sweiti, 2008: 43-44).

همچنین به دلیل برخی حساسیت‌ها، صهیونیست‌ها اغلب به‌عنوان رئیس کارکنان کاخ سفید که سمتی بالاتر از وزیراست و دسترسی مستقیمی به رئیس‌جمهور داشته و می‌توانند ملاقات سران صهیونیست را با رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا هماهنگ کنند، انتصاب می‌شوند. شخصیت‌های متنفذ در دولت دوم ترامپ یک تیم کامل را تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها صهیونیست بوده و برخی دیگر از آرمان صهیونیسم حمایت می‌کنند (Rosenfeld, 2025). یهودیان حتی در دولت

^۱ Louis Brandeis

^۲ Woodrow Wilson

^۳ The King-Crane Commission

کنونی ایالات متحده آمریکا، از نقاط ضعف ترامپ مانند نیاز به دیده شدن، موفق قلمداد شدن و متمایز شناخته شدن که در برگیرنده ناهنجارها و کمبودهای روانی خاصی است، بهره برده و وی را مدیریت می کنند. نتانیاهو در دیدار خود پس از جمله به ایران در جنگ ۱۲ روزه، ترامپ را نامزد جایزه صلح نوبل کرد. علاوه بر ترامپ، افراد تأثیرگذاری وجود دارند که اغلب صهیونیست مسیحی بوده و روابط ویژه‌ای با رژیم صهیونیستی و لابی آن در ایالات متحده آمریکا دارند. «پیت هگرتز»^۱، وزیر دفاع کلمه «کافر» را به زبان عربی را روی بازوی خود خالکوبی کرده که زیر آن عبارت لاتین «Deus Vult» به معنای «اراده خدا» قرار دارد؛ کلمه‌ای که به عنوان شعار نظامی در طول جنگ‌های صلیبی استفاده می شد (Ayoub, 2025). «استفان میلر»^۲، مشاور نزدیک ترامپ که در یک خانواده یهودی در کالیفرنیا بزرگ شده، از ژانویه ۲۰۲۵ به عنوان معاون رئیس دفتر کاخ سفید در امور سیاست گذاری و مشاور امنیت داخلی انتصاب شده است. میلر در رویدادهای عمومی متعددی در کنار ترامپ ظاهر می شود، عملاً در کاخ سفید از او جدایی ناپذیر است و حتی نظرات خود را در مورد توییت‌های ترامپ در پلتفرم اجتماعی حقیقت او ابراز می کند. نزدیکی و اهمیت جایگاه حساس او در کاخ سفید، تأثیر قابل توجه و مستقیمی بر دیدگاه‌های ترامپ، در مورد مسائل و موضوعات منطقه غرب آسیا دارد. مجلس سنا در آوریل ۲۰۲۵ «مایک هاکی»^۳ کشیش و مبلغ مشهور انجیلی را به عنوان سفیر ایالات متحده آمریکا در رژیم صهیونیستی تأیید کرد. او از دهه ۱۹۷۰ ده‌ها بار به رژیم صهیونیستی سفر کرده است (Rosenfeld, 2025). وی حتی از به کار بردن نام کرانه باختری خودداری کرده و از نام عبری «یهودا و سامره»^۴ استفاده می کند (Ayoub, 2025).

۴- باشگاه‌های سیاسی آپیک

علاوه بر منابع مذکور نفوذ صهیونیست‌ها در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا، باشگاه‌های سیاسی آپیک یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌ها و ابزارهای کنشگری آنان است. باشگاه یک تشکل داوطلبانه است که در ابتدا توسط تعدادی از افراد ایجاد می شد تا هزینه مهمانی در رستوران‌ها را بپردازند. از این منظر، باشگاه‌ها دارای تاریخی طولانی هستند و ریشه آن‌ها به دوره یونان باستان باز

¹ Pete Hegseth

² Stephen Miller

³ Mike Huckabee

⁴ The Judea and Samaria

می‌گردد. مهم‌ترین ویژگی باشگاه این است که اعضا آن دارای توانایی مالی بالایی بوده به داوطلبانه و چرخشی هزینه مهمانی‌ها را تقبل می‌کنند (American Heritage, 2025). امروزه، باشگاه از معنای مضیق مذکور خارج شده و طیف گسترده‌ای از تشکلهای از محل ورزش بازیکنان گرفته تا مجموعه کشورهای دارای توانایی هسته‌ای را شامل می‌شود. آنچه در این مقاله، مطمح نظر است، تشکلهای داوطلبانه برخی از حامیان آپیک است که دارای یک ارتباط سازمان یافته با آپیک هستند.

باید میان باشگاه‌های سیاسی آپیک و باشگاه‌های سیاسی که در کنار احزاب سیاسی در ایالات متحده آمریکا ایجاد می‌شوند، تفاوت قائل شد. برای کسی که تازه به سیاست علاقه‌مند شده است، هم احزاب سیاسی و هم باشگاه‌ها راه‌های بسیار خوبی برای مشارکت هستند. در اینجا، باشگاه سیاسی مکانی برای ملاقات با افراد همفکر، به اشتراک گذاشتن ایده‌هاست، در حالی که عضویت در احزاب بیش از آگاهی سیاسی بوده و افراد به دنبال دستیابی به قدرت سیاسی هستند. باشگاه‌های سیاسی نقش مهمی در جلب مشارکت مردم و آگاه نگه داشتن آن‌ها ایفا می‌کنند. آن‌ها ممکن است رویدادهایی را سازمان‌دهی کنند، سخنرانانی را برای صحبت در مورد موضوعات داغ بیاورند، یا حتی از یک سیاست یا نامزد خاص حمایت کنند؛ اما برخلاف احزاب سیاسی، هدف اصلی آن‌ها حکومت نیست. تأثیرگذاری بر کسانی که این کار را می‌کنند و ایجاد جامعه‌ای متشکل از شهروندان آگاه و متعهد است (Ratcliff, 2024).

باشگاه‌ها، یکی از طرح‌های مشارکتی آپیک برای جذب منابع مالی و تداوم حمایت از منافع صهیونیست‌ها در طول سال است. در مقابل، منافع و موقعیت اعضای باشگاه‌ها نیز در قبال اهدای کمک‌های مالی، ارتقا می‌یابد. بطور کلی می‌توان گفت که باشگاه‌ها، کانال ورود به حلقه نخبگان ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شوند. برای اعضای این باشگاه‌ها، این امکان فراهم می‌شود تا با بالاترین مقامات ایالات متحده آمریکا دیدار کنند و حتی با مقامات ارشدی چون معاونین رئیس‌جمهور، مقامات وزارت امور خارجه و نمایندگان و سناتورهای عضو کنگره ایالات متحده آمریکا بر سر یک میز بنشینند (Aipac, 2026). یکی از مهم‌ترین کارکردهای باشگاه‌های سیاسی این است که منابع سیاسی، به‌ویژه پول و اعتبار اعضای یک باشگاه را بسیج کرده و در اختیار یک حزب یا بخشی از قدرت سیاسی-اجتماعی قرار دهد (International Encyclopedia, 2025). پس از ایضاح مفهوم باشگاه، اینک مهم‌ترین باشگاه‌های سیاسی آپیک معرفی می‌شوند.

۴-۱- باشگاه واشینگتن

«باشگاه واشینگتن»^۱ که نخستین لایه از باشگاه‌های سیاسی آپیک است، شامل کسانی می‌شود که حداقل ۱۵۰۰ دلار در سال پردازند. به نوشته سایت آپیک، این باشگاه بهترین نقطه شروع برای کسانی است که می‌خواهند با فعالیت خود گام بلندی را در راه حمایت به رژیم صهیونیستی بردارند. افزون بر مزایایی مشترکی که به‌طور کلی برای همه اعضای باشگاه‌ها وجود دارد، اعضای باشگاه واشینگتن در مراسم ویژه‌ای که پیش از کنفرانس سالانه سیاست‌گذاری آپیک در واشینگتن برگزار می‌شود، با دعوت مدیر اجرایی آپیک شرکت می‌کنند. اعضای این باشگاه در نشست مذکور با شخصیت‌های مهم سیاسی، دیپلمات‌ها، سیاستمداران و نویسندگان ملاقات می‌کنند. به علاوه اعضای باشگاه واشینگتن از مزایای دیگری چون دعوت به حضور در مراسم ویژه باشگاه برخوردار می‌شوند (Aipac, 2026). کنفرانس سالانه سیاست‌گذاری آپیک، به‌مثابه کارگاهی است که اعضای باشگاه واشینگتن در آن به‌صورت عملی سیاست‌ورزی و کنشگری را می‌آموزند. اعضا در حین برگزاری این کنفرانس، مؤظفند با چندین عضو مجلس نمایندگان و سناتورهای که در کنفرانس شرکت می‌کنند، ملاقات کنند و در پایان کنفرانس از دیدارهای خود، گزارش تهیه کنند.

۴-۲- باشگاه کنگره

دومین سطح باشگاه‌های آپیک، «باشگاه کنگره»^۲ (کاپیتول) است که اعضای آن با پرداخت کمک مالی سالانه حداقل ۳ هزار و ۶۰۰ دلار، عضو این باشگاه می‌شوند. این افراد از فرصت مشارکت سیاسی و حضور در نشست ملی آپیک برخوردار می‌شوند. در نشست ملی که در مکان‌های مختلف در شهرهای اصلی ایالات‌متحده آمریکا و پاییز هر سال برگزار می‌شود، اعضای کنگره، سیاستمداران، دیپلمات‌های تأثیرگذار ایالات‌متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی و کارشناسان سیاسی خبره شرکت می‌کنند. ضیافت شام «گالا»^۳ ی کنگره به افتخار مسئولان رسمی منتخب منطقه محل برگزاری کنفرانس، فرصت مناسبی برای اعضای باشگاه کنگره فراهم می‌آورد تا با رهبران سیاسی و اشخاص برجسته دیدار داشته باشند. همچنین اعضای باشگاه کنگره مانند باشگاه قبلی به مراسم مهم دیگری که طی کنفرانس سالانه برگزار می‌شود، دعوت می‌شوند. در آن مراسم مقاماتی از قبیل

^۱ The Washington Club

^۲ Capitol Club

^۳ Gala

حداقل یک سوم نمایندگان کنگره، جمعی از مسئولان اجرایی و نیمی از سناتورها حضور دارند (Aipac, 2026).

۴-۳- باشگاه سنا

با توجه به جایگاه و اختیارات مهم مجلس سنا در کنگره ایالات متحده آمریکا، سطح سوم باشگاه‌های آپیک به آن اختصاص یافته است. اعضای «باشگاه سنا»^۱ شامل افرادی است که سالانه حداقل ۱۰ هزار دلار به آپیک اعانه پرداخت کند. اعزام به سرزمین‌های اشغالی از جمله برنامه‌های شاخص باشگاه سنا است که هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود و هدف آن ارتقای سطح آموزش و مهارت ورزی اعضای باشگاه مذکور است. این مأموریت فراتر از یک سفر محدود است زیرا شرکت‌کنندگان را با بخش‌هایی از رژیم صهیونیستی آشنا می‌کند که برای دیگران میسر نیست. اعضای شرکت‌کننده باشگاه سنا در این سفر با اعضای کنست، مقامات ارشد نظامی-امنیتی رژیم صهیونیستی دیدار کرده و با روزنامه‌نگاران برجسته نیز گفتگو می‌کنند. همچنین اعضای باشگاه سنا علاوه بر حضور در کنفرانس سالانه سیاست‌گذاری آپیک و نیز بهره‌مندی از تمام مزایایی که اعضای باشگاه کنگره از آن برخوردارند، به مراسم ویژه‌ای دعوت می‌شوند که در آنجا می‌توانند با مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا، شام سرو کنند (Aipac, 2026).

۴-۴- باشگاه کابینه ریاست جمهوری

اگرچه طبق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، کابینه مانند دیگر کشورها وجود ندارد و بیشتر از عنوان «ادمنستریشن»^۲ یا «اداره» استفاده می‌شود، با این وصف اعضای باشگاه «کابینه ریاست جمهوری»^۳ که سالانه حداقل ۲۵ هزار دلار می‌پردازند، از امتیاز و فرصت‌های بیشتری برای آشنایی با نخبگان آمریکایی برخوردار می‌شوند. اعضای این باشگاه از امتیاز ویژه همراهی با اعضای دولت‌های مستقر در قدرت ایالات متحده آمریکا در سفرهای خارجی بهره‌مند می‌شوند. آن‌ها در خلال این سفرها که به کشورهای مختلف دنیا انجام می‌شود، می‌توانند علاوه بر دسترسی به افراد مذکور و کسب تجربه در سیاست ورزی و کنشگری سیاسی در عرصه سیاست خارجی، زمینه برای برقراری روابط در آینده و تأثیرگذاری بر آن‌ها ایجاد کنند. اعضای باشگاه کابینه ریاست جمهوری

^۱ Senate Club

^۲ Administration

^۳ President's Cabinet

تاکنون به کشورهای مختلف غرب آسیا، اروپا، آسیا و دیگر نقاط جهان سفر کرده‌اند. اعضای شورای ریاست جمهوری همچنین از تمام مزایای باشگاه سنا از قبیل شرکت در مراسم و دعوت‌های ویژه سالانه آپیک برخوردار می‌شوند (Aipac, 2026).

۴-۵. باشگاه شورای رئیس

اعضای «باشگاه شورای رئیس»^۱ با پرداخت سالانه حداقل ۳۶ هزار دلار از امتیازات بیشتری برخوردارند. به نوشته سایت آپیک، این افراد می‌توانند به پشت صحنه تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا رفته و از نزدیک با افرادی که در سیاست‌گذاری‌های جهانی و منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا مؤثرند، ارتباط برقرار کنند. اعضای باشگاه شورای رئیس توانسته‌اند با روسای جمهور ایالات متحده آمریکا گرفته تا نخست وزیران رژیم صهیونیستی مانند بنیامین نتانیاهو شخصاً ملاقات کنند. اعضای این باشگاه از تمامی مزایای اعضای باشگاه کابینه ریاست جمهوری که شامل سفر خارجی و شرکت در برنامه‌های اختصاصی در طول مراسم سالانه آپیک است، نیز بهره‌مند می‌شوند (Aipac, 2026).

۴-۶. باشگاه مین یان

مین یان^۲ اختصاصی‌ترین باشگاه آپیک است. اعضای این باشگاه که سالانه حداقل ۳۶ هزار دلار به آپیک کمک می‌کنند، از نخبگان و حامیان بسیار افراطی آپیک تشکیل شده‌اند. این افراد طی مراسم ویژه مانند همراه شدن با هیئت اعزامی مین یان آپیک به واشینگتن و دیدار با رهبران ایالات متحده آمریکا برخوردار می‌شوند. اعضای این باشگاه در مراسم شام اختصاصی با معاونان ریاست جمهور ایالات متحده آمریکا و جلسه غیرعلنی پرسش و پاسخ کاخ سفید که در مورد مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی با مشاوران رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا برگزار می‌شود، شرکت کرده و با سرو صبحانه با روسای کمیته‌های مهم کنگره ایالات متحده آمریکا، در عمق سیاست ایالات متحده آمریکا نفوذ می‌کنند (scribd.com). اعضای باشگاه مین یان از تمام مزایای اعضای باشگاه شورای رئیس مانند سفر به سرزمین‌های اشغالی، همراهی با مقامات ارشد ایالات متحده آمریکا در سفرهای خارجی، حتی دسترسی‌های اختصاصی بیشتری مانند ذخیره صندلی و محافظت توسط پلیس در طول برگزاری کنفرانس، دعوت به مراسم خاص اعضای آپیک

¹ The Chairman's Council

² Minyan

و جلسه پرسش و پاسخ با حضور رئیس و مدیر اجرای آن آپیک نیز بهره‌مند می‌شوند (Aipac, 2026).

۵- نحوه تأثیرگذاری باشگاه‌های سیاسی آپیک بر سیاست‌گذاری ایالات متحده در قبال رژیم صهیونیستی

اگرچه به دلیل مخفیانه و محرمانه بودن بخش عمده مباحث و فعالیت اعضای باشگاه‌های سیاسی آپیک، نمی‌توان تصویر دقیق و روشنی از نحوه نفوذ و تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌گذاران آمریکایی ارائه کرد، با این وصف با توجه به ویژگی‌های نظام پلیارشیکی ایالات متحده آمریکا، نحوه تأثیرگذاری باشگاه‌های سیاسی آپیک در سیاست‌گذاری این کشور را می‌توان در محورهای زیر بررسی و تحلیل کرد:

۱- در حالی که در جامعه سیاسی ایالات متحده آمریکا، کنشگران مختلف، برای منافع خود تلاش می‌کنند اما با توجه به منابع سه‌گانه نفوذ (پول، مهارت و انگیزه) که رابرات دال در نظام پلیارشیکی این کشور ذکر کرده، صهیونیست‌ها در مقایسه با دیگر کنشگران، دارای مزیت نسبی برای تأثیرگذاری در ساختار سیاست‌گذاری آمریکا می‌باشند. در حالی که برخی لابی‌ها مانند ارامنه، هندی و حتی اعراب می‌کوشند تا در نظام سیاست‌گذاری آمریکا نفوذ بیشتری داشته باشند، باشگاه‌های سیاسی آپیک به دلیل اشتراکات فرهنگی و شناخت دقیق‌تر از سازوکار قانونی و کنشگری در جامعه این کشور، توان بیشتری برای استفاده از منابع مالی خود دارند. برای مثال لابی «سپراک»^۱ که طی سال ۲۰۱۶ برای اعمال نفوذ در ایالات متحده آمریکا ایجاد شده، به‌رغم پشتوانه مستحکم مالی، به دلیل عدم آشنایی دقیق با قوانین این کشور در فرایند فعالیت‌های خود با مشکلات مختلفی مواجه شده است (U.S. Department of Justice, 2017). پک جدیدی که در فوریه ۲۰۲۶ با نام «پالپک»^۲ ایجاد شده، از یک طرف نشان‌دهنده توجه کنشگران به نقش نهاد لابی‌گری در ساختار سیاسی آمریکاست و از طرف دیگر، نشانگر غفلت سایر کنشگران و سابقه و قدمت صهیونیست‌ها در کنشگری در این نهادهاست. پالپک به دنبال حمایت از مقامات منتخبی است که در جهت تحقق حقوق مدنی فلسطینیان و رهایی آنان از اشغالگری خشونت‌بار و غیرقانونی رژیم

^۱ The Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

^۲ The Peace, Accountability, and Leadership PAC :PAL PAC

صهیونیستی گام برمی دارند. این پک به ابتکار «رشدیه طالب»^۱ تنها فلسطینی تبار عضو کنگره و با حمایت از سه نامزد انتخابات میان دوره کنگره ۲۰۲۶، فعالیت خود را آغاز کرده است (Thakker, 2026).

۲- سیاست ورزی کنشی است که تجربه و مهارت نقش بسیار مهمی در آن دارد. نحوه عضویت اعضای باشگاه‌های سیاسی آپیک و فرایند مستمر کارآموزی عملی در دنیای واقعی سیاست و ارتباط با نخبگان سیاسی تأثیرگذار در ایالات متحده آمریکا، موجب می شود که هریک از اعضای این باشگاه‌ها، با روش‌های ارتباط‌گیری سیاسی و نفوذ آشنا شوند. در مدل جامعه پلیارشیک رابرت دال، اعمال نفوذ امری تدریجی است. اعضای باشگاه‌های آپیک در خلال کنفرانس‌های سالانه آپیک و نیز دیدارهای مختلف که طیف گسترده‌ای از نخبگان سیاسی، نظامی و علمی دارند، ضمن کسب تجربه، فرایند کنشگری سیاسی و رایزنی را یاد می گیرند.

۳- همان گونه که رابرات دال تأکید کرده، علاوه بر منابع مادی و تجربه آموزش سیاست ورزی، «دسترسی» نیز برای نفوذ و تأثیرگذاری در قدرت نقش مهمی دارد. در علم سیاست گذاری عمومی، مراحل مختلفی وجود دارد. اگرچه نظریه پردازان مراحل مختلفی را مطرح کرده اند (Jahanbin & motallebi, 2024: 83-85)، اما برخی مراحل مانند تشکیل کمیته خبرگی، تعریف مسئله تعیین دستور کار و ارائه راهکار و ارزیابی، مرحله‌ای است که تقریباً در همه چرخه‌های سیاست گذاری مشترک است. اعضای باشگاه‌های سیاسی آپیک به مثابه کمیته‌های خبرگی، به دلیل دسترسی به سیاست‌گذاران آمریکایی در تعریف مسئله و اولویت‌دهی به مسائل مورد نظر، در دستور کار قرار دادن و نیز ارائه راهکار و سپس ارزیابی، در مقایسه با دیگر کنشگران، توانایی و ظرفیت بسیار بیشتری دارند. دسترسی به اعضای کنگره، وزرای مختلف و از همه بالاتر روسای جمهوری ایالات متحده آمریکا و نیز نخست وزیران رژیم صهیونیستی این امکان را به اعضای باشگاه‌های سیاسی آپیک می دهد که موضوعات مورد نظر خود را به عنوان مسئله با آنها مطرح کنند و سایر مراحل سیاست گذاری را پیگیری کنند.

۴- با توجه به رابطه شبکه‌ای سازمان‌های صهیونیستی با یکدیگر، اعضای باشگاه‌های سیاسی آپیک، با همکاری سازمان‌هایی چون «کمیته یهودیان آمریکا»^۲ که در شش قاره دنیا، با رهبران یش

^۱ Rashida Tlaib

^۲ American Jewish Committee (AJC)

از ۱۱۰ کشور ارتباط دارند (Ajc, 2026)، نه تنها در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا، نفوذ می‌کنند بلکه در خلال سفرهای گوناگون مقامات آمریکایی به کشورهای مختلف، با همکاری کمیته یهودیان آمریکا، با رهبران و مقامات سیاسی دیگر کشورها نیز رایزنی می‌کنند.

۵- علاوه بر موارد مذکور می‌توان بخشی از روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی را به عنوان محصول فعالیت صهیونیست‌ها به‌ویژه باشگاه‌های سیاسی آپیک دانست. امضای یادداشت تفاهم ۱۰ ساله ایالات متحده آمریکا- رژیم صهیونیستی و تضمین کامل کمک‌های امنیت رژیم صهیونیستی و تصویب کمک اضطراری ۳/۳ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۴ تنها بخشی از دستاورد این رابطه ویژه است. همچنین اطمینان از اینکه رژیم صهیونیستی از نظر کیفیت فناوری‌های نظامی^۱ در موقعیت برتر منطقه غرب آسیا باشد نیز بخشی از نتایج این رابطه انحصاری است (Aipac, 2023: 8). به‌رغم شعارهای ترامپ مبنی بر اینکه از تجربیات دولت‌های قبلی ایالات متحده آمریکا به‌ویژه در افغانستان و عراق تجربه کسب کرده و وارد جنگ‌های دیگر نمی‌شود، با این وصف عوامل بنیادی تأثیرگذار مانند باشگاه‌های سیاسی آپیک، موجب شد دولت ایالات متحده آمریکا در ژوئن ۲۰۲۵ یکی از بی‌سابقه‌ترین دخالت‌های نظامی را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، در حالی که مذاکرات در جریان بود، انجام دهد. این روابط به‌رغم آنکه رژیم صهیونیستی طی بیش از ۲ سال جنگ در غزه بدیهی‌ترین موازین بشری را در غزه نقض کرده و حتی موجب اعتراض بخش عمده‌ای از جامعه یهودیان ایالات متحده آمریکا شده، استمرار یافته است. پس از جنایات بی‌سابقه رژیم صهیونیستی در نوار غزه، در برخی از سازمان‌های یهودی، یک تغییر پارادایمی ایجاد شده است، زیرا «یهودیان ایالات متحده آمریکا متفق‌القول معتقدند آنچه در غزه اتفاق افتاده است، همه چیز را در زندگی آن‌ها تغییر داده است. دیدگاه آن‌ها نسبت به خود، دیدگاه آن‌ها نسبت به دیگران و رابطه‌شان با رژیم صهیونیستی تغییر کرده است. برخی از چیزی شبیه به یک جنگ داخلی ایدئولوژیک نهفته صحبت کرده‌اند که اکنون تشدید شده است. شوک خشونت‌آمیزی که پایه‌های جامعه یهودی را لرزاند، منجر به تغییر پارادایم شده است، به معنای تغییر در ایده‌ها و فرضیاتی که برای مدت طولانی غالب بودند. رابطه آن‌ها با «سرزمین موعود» ممکن است از یک رابطه مبتنی بر اسکان به یک رابطه صرفاً معنوی، مانند قبل از ظهور صهیونیسم، تغییر کند؛ و دولت موعود یهودیان

^۱ Qualitative Military Edge (QME)

به ویرانشهری تبدیل شود و یهودی بودن در جهانی که در آن دولت یهود یک نهاد مطرود، مایه شرمساری و نه مایه افتخار است. (AI-Nasak, 2025).

واشینگتن هر ساله حدود ۳٫۸ میلیارد دلار کمک نظامی به رژیم صهیونیستی اختصاص می‌دهد که تقریباً معادل تولید ناخالص داخلی یک کشور کوچک است. این پول نقد تقریباً به‌طور کامل به سلاح اختصاص می‌یابد. طبق تفاهم‌نامه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۶، حدود ۸۰ درصد از این کمک‌ها باید صرف محصولات دفاعی ساخت ایالات متحده آمریکا شود. در واقع، مالیات‌دهندگان آمریکایی به صادرات اسلحه به رژیم صهیونیستی یارانه می‌دهند. نتیجه، یک «خط لوله تسلیحاتی» سودمند متقابل است که توسط آپیک محافظت می‌شود. تعداد کمی این رازیر سؤال می‌برند؛ در عوض، صداهای مخالف تقریباً ساکت می‌شوند (Hassan, 2025).

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، واکاوی سویه‌های مکتوم در جامعه ایالات متحده آمریکا بود که به شکل‌گیری روابط ویژه بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی منجر شده است. پردازش فرضیه مقاله نشان داد برخلاف روابط میان دیگر کشورها که بر اساس منافع ملی ایجاد می‌شود، روابط ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی تحت تأثیر متغیرهای مختلفی است و به‌رغم تراحم منافع، در نهایت به‌ویژه ذیل مسائل مهم نوعی تلاقی رفتار وجود دارد و همواره سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در راستای منافع رژیم صهیونیستی تغییر می‌کند. آن‌گونه که در متن مقاله آمده، برخی این تقارن رفتار به‌ویژه در حوزه مسائل راهبردی را ناشی از بنیان‌های ویژه فرهنگی در طول تاریخ شکل‌گیری ایالات متحده آمریکا می‌دانند. اکثر پژوهشگران ضمن تأیید این بنیان‌ها، منافع راهبردی را نیز عامل تقویت این روابط ویژه می‌دانند؛ اما فرضیه این مقاله، برجسته‌سازی نقش برخی متغیرها مانند نقش باشگاه‌های سیاسی بود؛ زیرا اگر منابع هویتی و حتی منافع راهبردی، متغیر تعیین‌کننده در روابط بین دو کشور باشد، قاعدتاً باید روابط چندین کشور دیگر با ایالات متحده آمریکا که دارای مشترکات هویتی هستند، مانند روابط آن با رژیم صهیونیستی باشد. حال آنکه حتی کشورهایی که از نظر هویتی و راهبردی، مشترکات بسیار بیشتری از ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی دارند، در طول

چندین دهه متوالی، فاقد روابط ویژه بوده‌اند. به این دلیل با توجه به ساختار خاص پلپارشیکی جامعه ایالات متحده آمریکا، صهیونیست‌ها، با دسترسی به منابع نفوذ، این روابط ویژه را نهادینه کرده‌اند. در حالی که لابی آپیک نقش بسیار مهمی از بدو تأسیس در این همانی منافع ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته، باشگاه‌های سیاسی این لابی، در لایه‌های عمیق‌تر ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ایالات متحده آمریکا نفوذ کرده و سیاست‌گذاری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگرچه دسترسی به اطلاعات بیشتر درباره ساختار، عملکرد این باشگاه‌ها محدود است، با این وصف می‌توان به تأثیرگذاری آن‌ها در شکل‌گیری روابط ویژه بین ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی پی برد. معرفی این باشگاه‌ها که دریچه و الگویی برای شناخت بیشتر و دقیق روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است، یکی از یافته‌های اصلی این پژوهش محسوب می‌شود. در حالی که بخش عمده پژوهش‌ها در ایران به صورت کلیشه‌ای بر آپیک متمرکز شده‌اند، کالبدشکافی این لابی و شناسایی برخی دیگر از سویه‌های پنهان و در عین حال تأثیرگذار آن، گام مهمی در مطالعات صهیون‌پژوهی خواهد بود. با توجه به اینکه شبکه پیچیده صهیونیسم نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی دارد، بایسته است که به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی دوم و سوم علیه جمهوری اسلامی، به‌عنوان یکی از مباحث اصلی امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این مقاله، در حوزه پژوهشی توصیه می‌شود، شناخت دیگر اجزا و بنیان‌های تأثیرگذار صهیونیسم در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی آمریکا، در اولویت پژوهشی قرار گیرد. هنوز سویه‌های مکتوم فراوانی برای شناخت دقیق‌تر تأثیرگذاری صهیونیست‌ها در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا باقی مانده است. پس از جنگ تحمیلی سوم، رژیم صهیونیستی برای استفاده از توان سیاسی- نظامی ایالات متحده آمریکا برای حملات مجدد به جمهوری اسلامی همچنان تلاش خواهد کرد. از این‌رو، یکی از پیش‌نیازها و مقدمات اقدامات راهبردی علیه این دو دشمن مشترک ایران، انجام پژوهش‌های بسیار دقیق و علمی در زمینه شناخت بنیان‌های روابط ویژه آن‌هاست. راهبردها و اقدامات نظامی علیه این دو هر چه مبنای دقیق‌تر علمی داشته باشد، کارآمدتر خواهد بود.

Translated References to English

- Abbasi, M., & Damirchiloo, F. (2024). The U.S. Foreign and Security Policy in the Gaza Crisis (2023-2024). *American Strategic Studies*, 4(3), 41-66. doi: 10.47176/asr.2024.1259. **[In Persian]**
- Ahouie, M. (2011). The Role of the Israeli Lobbies in the US Foreign Policy: From Myth to Reality. *World Studies Quarterly*, 1(1), 101-126. **[In Persian]**
- AIPAC. (2026). "AIPAC - Club Membership Retrieved from <https://www.aipac.org/club>
- AIPAC. (2023). *AIPAC Briefing Book 2023 Edition, 118th Congress*. Retrieved from <https://www.aipac.org/resources/the-2023-aipac-briefing-book-y7a55>
- AJC (2026), Who We Are, Retrieved from <https://www.ajc.org/whoweare>
- Al-Nasak, M. (2025). *American Jews Facing the Challenges of the Genocide War in Gaza*. Al Jazeera Centre for Studies. Retrieved from <https://studies.aljazeera.net/ar/article/6262>
- American Heritage® Dictionary of the English Language* (5th ed.). (2011). "Country club." Retrieved July 19, 2025, Retrieved from <https://www.thefreedictionary.com/country+club>
- Amjad, M. (2004). *Politics and Government in the United States*. Tehran: SAMT Publications. **[In Persian]**
- Ayoub, M. Sh. (2025, July 2). *5 Zionists Around Trump*. Al Jazeera Net. Retrieved from <https://www.aljazeera.net/politics/2025/7/2/%D8%A3%D8%B4%D9%87%D8%B1-5-%D8%B5%D9%87%D8%A7%D9%8A%D9%86%D8%A9-%D8%AD%D9%88%D9%84-%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%A8> **[In Arabic]**
- Brunell, T. L. (2005). The Relationship Between Political Parties and Interest Groups: Explaining Patterns of PAC Contributions to Candidates for Congress. *Political Research Quarterly*, 58(4), 681-688. <https://doi.org/10.1177/106591290505800408>
- Chilcote, R. H. (2011). *Theories of Comparative Politics* (A. Tayyeb & V. Bozorgi, Trans.). Tehran: Rasa Publications. **[In Persian]**
- Council on Foreign Relations. (2024, October 28). *U.S. Aid to Israel in Four Charts*. Retrieved from <https://www.cfr.org/article/us-aid-israel-four-charts>
- Dahl, R. A. (2006). *On Political Equality*. New Haven & London: Yale University Press.
- Dahl, R. A. (2023). *A Preface to Economic Democracy*. Los Angeles: University of California Press.
- Dahl, R. A., & Brickey, B. S. (2013). *Modern Political Analysis* (H. Moshirzadeh, Trans.). Tehran: Farhang-e Javid Publications. **[In Persian]**
- Diamant, J. (2025, January 2). *Faith on the Hill: The religious composition of the 119th Congress*. Pew Research Center. Retrieved from <https://www.pewresearch.org/religion/2025/01/02/faith-on-the-hill-2025/>
- Enayah, M. J I. (2006). *The Power of Jews in America* (M. Bolvardi, Trans.). Tehran: Andisheh Sazan-e Noor Publications. **[In Persian]**
- Foreign Affairs. (2025, July 18). *Don't Betray "America First" With a War on Iran*. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/united-states/dont-betray-america-first-war-iran>
- Gilboa, E. (2025). US-Israel relations at 75. *Israel Affairs*, 29(3), 473-491. <https://doi.org/10.1080/13537121.2023.2185219>
- Grose, P. (1983). *Israel in the Mind of America*. New York: Knopf.
- Harb, A. (2025, November 6). *Trump says he was 'very much in charge' of Israel's June 13 attack on Iran*. Al Jazeera. Retrieved from <https://www.aljazeera.com/news/2025/11/6/trump-says-he-was-very-much-in-charge-of-israels-june-13-attack-on-iran>
- Held, D. (2008). *Models of Democracy* (A. Mokhber, Trans.). Tehran: Roshangaran & Women's Studies Publications. **[In Persian]**

- Hoseini, S., Khrshidi, M & Naeij, A, (2022). The Role of the Jewish Lobby in U.S. Foreign Policy Decisions in Support of the Zionist Regime. *Political Research in the Islamic World*, (44), 49–72. **[In Persian]**
- International Encyclopedia of the Social Sciences. (2025). "Political Clubs." *Encyclopedia.com*. July 18, 2025, Retrieved from <https://www.encyclopedia.com>
- Jahanbin, F., Motallebi, M. (2024). Providing a strengthened public policy cycle in the process of understanding and solving public issues. *Transformations in Human Science*, 3(2), 79-104.
- Jamali, J., Ebrahimi Kayyapi, H. (2024). Analyzing the Role of Think Tanks in the U.S. Strategy Against the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Trump Administration. *Iran's Strategic Environment*, 8(3), 111–140. **[In Persian]**
- Kaplan, A. (2018). *Our American Israel: The Story of an Entangled Alliance*. Harvard University Press.
- Khatibi, A. (1999). *One Measure of Water, One Measure of Blood*. Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History.
- Mearsheimer, John J., Walt, Stephen M. (2007). *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy* (M. Ehsasi, Trans.). Tehran: Abi Publications. **[In Persian]**
- Mearsheimer, J J., & Walt, Stephen M. (2009). Is it love or the lobby? Explaining America's special relationship with Israel. *Security Studies*, 18(1), 58–78. <https://doi.org/10.1080/09636410802679535>
- Mills, C. Wright. (2004). *The Power Elite* (Translated by the Cultural-Research Foundation of Western Studies). Tehran: Farhang-e Maktub Publications. **[In Persian]**
- Mirlohi, S. H. (2019). *U.S. Israel and Zionocracy*. Qom: Maaref Publications. **[In Persian]**
- Niakoe, S. A., Amani, F. (2024). U.S Foreign policy towards Israel and its consequences on Iran's national security. *Quarterly Journal of West Asian Studies (Fashnāmah-i Gharb-i Asiyā)*, 2(2), 33-58. doi: 10.22034/wasj.2024.444894.1044 **[In Persian]**
- OpenSecrets. (2025). *What Is a PAC?* Retrieved from https://www.opensecrets.org/outside-spending/super_pacs
- Pappe, I. (2025). *Israel on the Brink: Eight Steps for a Better Future*. London: Oneworld Publications Ltd.
- Pew Research Center. (2021, May 11). *Jewish Americans in 2020*. Retrieved from <https://www.pewresearch.org/religion/2021/05/11/jewish-americans-in-2020/>
- Pew Research Center. (2021, May 11). *Economics and Well-Being Among U.S. Jews*. Retrieved from <https://www.pewresearch.org/religion/2021/05/11/economics-and-well-being-among-u-s-jews/>
- Piper, Collins. (2008). *Hidden Power in the United States of America* (A. Ebadati, Trans.). Tehran: Rawayat-e Fath Publications. **[In Persian]**
- Politico. (2024, June 9). *AIPAC is the biggest source of Republican donors giving to Democratic primaries*. Retrieved from <https://www.politico.com/news/2024/06/09/aipac-republican-donors-democratic-primaries-00162404>
- Ratcliff, R (2024, August 15). *Understanding Political Clubs and Parties in the U.S.: A Beginner's Guide*. Longon Civics. Retrieved from <https://longoncivics.substack.com/p/understanding-political-clubs-and>
- Rosenfeld, Amo. (2025, April 10). *Trump and Jews: The first 100 days*. Jewish Council for Public Affairs (JCPA). Retrieved from <https://jewishpublicaffairs.org/news/trump-and-jews-the-first-100-days/>
- Sheskin, I. (2009). American Jewish Demography and the Presidential Elections. In E. Gilboa & E. Inbar (Eds.), *US-Israeli Relations in a New Era: Issues and Challenges after 9/11*. London: Frank Cass.

- Slater, J . (2020). *Mythologies Without End: The US, Israel, and the Arab-Israeli Conflict, 1917-2020* (1st ed.). Oxford University Press.
- Smith, R, (2025, July 18). *Don't Betray "America First" With a War on Iran*. Foreign Affairs. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/united-states/dont-betray-america-first-war-iran>
- Sombart, Werner. (2005). *The Jews and Modern Capitalism* (R. Ghasemian, Trans.). Tehran: Sagi Publications. **[In Persian]**
- Sweiti, R . (2008). American Policy toward Palestine between 1850 and 1939. *Bethlehem University Journal*, 27, 26–58.
- Tabeafshar, S., Barzegar, K., Sajjad pour, S.M.K &, Aragchi , S.A . (2018). The role of Israel's lobby in US foreign policy: Iran's nuclear talks and 1 + 5. *International Relations Research*, 8(3), 7–32. **[In Persian]**
- Thakker, Prem. (2026), AIPAC Has a New Opponent: PAL PAC, Zeteo, <https://zeteo.com/p/pal-pac-aipac-israel-palestine>
- The Heritage Foundation. (2025, March 12). *U.S.–Israel Strategy: From Special Relationship to Strategic Partnership, 2029–2047*. Retrieved from <https://www.heritage.org/global-politics/report/us-israel-strategy-special-relationship-strategic-partnership-2029-2047>
- U.S. Department of Justice (2017), the Saudi American Public Relation Affairs Committee, National Security Division/ <https://www.justice.gov/nsd-fara/page/file/1282101/dl?inline>
- Weber, M . (2006). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism* (A. Rashidian & P. Moncheghi Kashani, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. **[In Persian]**